

عکس زیارتی، لحظه قطعی، حلقه مفقوده

احسان قنبری فرد

بارها از سوی عکاسان مختلف با موضوعی نسبتاً مشابه ثبت شده است، نه وابسته به موضوع واحد یا مشابهی که در غالب موارد یکسان بوده است، که به شکل تامل برانگیزی وابسته به باورها، اندیشه‌ها و احساسات لطیف عکاسانی است که به ثبت عکس‌های این‌چنینی روی آورده‌اند. به دیگر سخن، عکاس زیارتی را نمی‌توان یک مستندنگار صرف به شمار آورد. بگذارید صریح‌تر بگوییم، هر مستندنگاری، با هر میزان توان و مهارت را نمی‌توان به ثبت عکس‌های زیارتی گمارد و نتیجه‌ای کاملاً موفق را انتظار کشید. مستندنگاری موفق، به مطالعات عمیق جامعه‌شناسانه و اطلاع کامل از فرآیندها و باورهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نیازمند است. بررسی بیشتر عکاسی ژورنالیستی امر یک جامعه‌نا آشنا، موضوع را با صراحت بیشتری روشن خواهد کرد. فتوشورنالیست‌های شناخته شده و موفق، هرگز پیش از کسب اطلاعات لازم در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف، به عکاسی از آن جامعه نمی‌پردازند. نفس عکس گرفتن البته در این شرایط ناممکن نیست اما نتیجه، بی‌شک عکس‌هایی تمرین شده، سفارشی و عاری از محتوای قابل تامل خواهد بود.

عکس‌های زیارتی را باید گونه‌ای از عکاسی مستند به شمار آورد. متفاوت با عکس‌های خبری و ژورنالیستی و حتی برخلاف مشابهت انکارناپذیری که در شیوه اجرا با عکاسی خیابانی دارد، متفاوت با آن چه به عنوان عکاسی خیابانی می‌شناسیم. عکاسی زیارتی با وجود وجه اسنادی انکارناپذیرش، سویی‌ای به شدت حسی دارد. عکاس زیارتی، مصداق کامل گفته فریمن پترسون است که نه تنها آن چه روبروی لنز دوربینش قرار دارد، که خود را نیز به شکلی تمام و کمال در تصویر عکاسانه خود ثبت می‌کند. تنوع بی‌پایان عکس‌هایی که بارها و

آیین، باور، پیشینه

رفتارهای آیینی، ریشه در باورهای ملی، مذهبی و دینی دارد. گرچه بخش قابل تاملی از هنرمندانی که تاکنون شاهد ارائه آثار مستند دینی، خریارتی از سوی ایشان بوده‌ایم، هم‌آئینان، هم‌مذهبان و هم‌مسلمانانی بوده‌اند که به قدر نیاز از نفس دین، آئین و رفتار آئینی "زیارت" می‌دانسته‌اند، و در نهایت خوشبختی، توانایی رهسپار کردن قلب رقیق خویش با خرائرتی که موضوعات عکاسی ایشان را تشکیل می‌داده‌اند را داشته‌اند، اما هنوز هم عکس‌های زیارتی کیفیت کامل، مطلق و بدون نقص نیافته‌اند. این ادعا ممکن است در مواجهه‌ای



عکس: یوسف اکبری پایبندی

بی‌پایانش چقدر در عکس‌های امروز من و ما نقش دارند. نمادها و نشانه‌های فراوان کدام هنر و آئین کهن چنان که باید و شاید در عکاسی آئینی امروز ایران حضور فعال و موثر دارند؟ پرسش این‌جا است: عکس‌های زیارتی تا چه اندازه در بازنمایی ویژگی‌های اینچنینی پیش‌رفته‌اند؟ و چه تعداد از عکس‌های خریارتی ارائه شده تا امروز، تنها نگاهی سطحی، ساده‌انگارانه و ترکیب‌بندی‌های شکلی و زیبا اما عاری از محتوی بوده‌اند که با تهییج پیشینه ذهنی و غیرت مذهبی مولفین و مخاطبین ستوده و دیده شده‌اند؟ و پرسشی روشن‌گرت‌تر: آن‌چه تا امروز ارائه شده است، تا چه اندازه قابلیت انتقال ویژگی‌های این آئین‌های شگرف و عمیق به مخاطبانی بدون اطلاع از فرهنگ ایرانی اسلامی و بدون دارا بودن پیشینه ذهنی و تجربی مشابه را دارا هستند؟

لحظه قطعی

لحظه قطعی کارتیبه برسون، مفهومی است که بسیار نادرست فهمیده شده است. جدا از این اصطلاح که ناشی از آمریکایی او برای بهبود ترجمه تحت‌اللفظی عنوان پورت فولوی برسون به کار برد، خود برسون بارها و بارها این مفهوم را "لحظه روانی" نامید. لحظه قطعی نمایش اوج یک حرکت یا یک رویداد نیست. "لحظه قطعی" به این معنا است که در هر موقعیت گرفتن عکس، تنها یک لحظه وجود دارد که در آن لحظه تمام عناصر ترکیب بندی و حسی درون عکس در قدرتمندترین حالت خود با هم منطبق می‌شوند. برای شکل‌گیری لحظه قطعی وجود سه عامل ضروری است: ۱- پیش‌انگاری هدفمند در ذهن عکاس. مفهومی که به شکل یک دغدغه، ذهن عکاس را درگیر کند و او را تا سرحد اقدام برای بازنمایی آن مفهوم پیش برد. ۲- مصداق بیرونی، عکاس در جست و جوی عکاسانه خود، مصداق کامل اندیشه یا دغدغه خویش را در جهان واقعیت بیابد و به ثبت آن اقدام کند. ۳- عوامل ترکیب بندی و تکنیکی، وجه پایانی و تمام‌کننده شکل‌گیری لحظه قطعی، انطباق عناصر متحرک دنیای واقعی در قدرتمندترین حالت ممکن و ثبت عکس با رعایت کامل اصول تکنیکی و صحیح عکاسی است. اصولی که در خدمت بیان معنا برگزیده و اجرا شده‌اند. در توصیفی ساده‌تر می‌توان گفت، عکاس باید در زمان درست، در مکان درست ایستاده باشد.

عکس زیارتی، لحظه قطعی، حلقه مفقوده

عکس‌های خریارتی را بیش از سایر گونه‌های عکاسی مستند می‌توان مصداق لحظه قطعی دانست. ملاحظت بیان هنرمندان این آثار و پشتوانه عظیم و عمیق احساسی همراه شده با این عکس‌ها گواهی بر این مدعا است. عکاسان مختلف اثر منظر ذهنی منحصر به خویشتن به

سهل‌انگارانه و متعصبانه تا اندازه‌ای غیرمنطقی، نادرست و حتی ناآگاهانه جلوه کند، اما مطالعه بیشتر در باب آیین‌های اجتماعی، باورهای دینی و آیینی و بیش از همه ریشه‌های شکل‌گیری این آیین‌ها می‌تواند جای خالی تصاویری با موضوع توضیح و توصیف عمیق‌تر این آیین‌ها و مطالعه تصویری این باورهای آیینی بر پایه دانش تاریخی، جامعه‌شناسی و فلسفی را نمایان سازد. غالب هنرمندان ایرانی ونوس و آفرودیت و زئوس و ایلید را با ذکر کاملی از ویژگی‌های اسطوره‌شناسانه این نام‌ها و سایر نام‌های اساطیر یونانی و غیر ایرانی می‌شناسند. کم نیستند آثار هنرمندان برجسته‌ای که فرهنگ اسطوره‌ای غیر ایرانی را در قالب اشکال مختلف هنری به تصویر کشیده‌اند یا از نمادها، نشانه‌ها و مفاهیم صریح و ضمنی مرتبط با آن در آثار عکاسانه خویش بهره جسته‌اند. اما صرف‌نظر از یکی دو مورد انگشت شمار که تنها اشاره‌ای به ویژگی‌های هنری ایرانی و اسلامی داشته‌اند، چند هنرمند عکاس ایرانی را می‌شناسیم که آئین‌ها و باورهای آئینی کهن ایران زمین را بشناسد و در گوشه‌ای اثر آثار خویش به آن‌ها پرداخته باشد. چند نفر از عکاسان ما به پیشینه کهن هنر قهوه‌خانه‌ای، پرده‌خوانی و ابعاد شگرف حماسی و آئینی آن پرداخته‌اند؟ نگارگری ایرانی و ابعاد



عکس: محمود بازدار

نه تنها گشایشگر درهای فراوانی از این گنجینه عظیم برای مخاطبان جهانی است، که حلقه مفقوده بسیاری از گونه‌های هنری و به‌ویژه منبع سرشار تغذیه ذهن‌های جست و جوگر عکاسان دغدغه‌مند و شایسته و هدفمند خواهد بود. حلقه مفقوده‌ای که قادر است عکس‌های زیارتی را با پشتوانه عظیم دانش فراوان اثر ماهیت و ریشه‌های شکل‌گیری این باورها همراه سازد، گنجینه‌ای عظیم از نمادها و نشانه‌ها را در دسترس عکاسان علاقمند قرار دهد و دغدغه‌ها و اندیشه‌هایی ناب، تازه و ارزشمند بیافریند تا عکس‌های زیارتی، با پشتوانه عظیم فرهنگی و آئینی جای تقلید‌های آگاهانه یا ناآگاهانه در شیوه‌های دیگر عکاسی را پرکند و به گوهر ارزنده و منحصر به فرد عکاسی ایران بدل گردد.

آئین زیارت می‌نگرند و آن‌گاه که رخداد‌های جهان واقع را منطبق با غلیانات شگرف و عمیق حسی و مذهبی خویش درمی‌یابند، به ثبت عکس‌های زیارتی اقدام می‌کنند. مطالعه عکس‌های مختلف ارائه شده و مولفین این عکس‌ها به سادگی مخاطب را در درک این نکته یاری و همراهی خواهد کرد. دغدغه و اشتیاق، فراوان است، تلاش و حضور و پویایی نیز اندک نیست. مصداق این دغدغه‌های ستودنی نیز مدام در حال روی دادن و به وقوع پیوستن است. در اجرای شیوه‌های فنی و تکنیکی نیز سطحی به غایت آرمانی و قابل اعتنا در پیش رو است. آنچه هم‌اینک ثبت و ارائه می‌شود، مصداق کاملی است از لحظه‌های قاطعی که باید ماندگار شوند. تمام آن‌چه این نگاه‌سته و نگارنده‌اش در تلاشند منتقل کنند، تمنای آرمانی است اثر مولفین به غایت عزیز عکس‌های زیارتی برای هرچه بیشتر ساختن و پرداختن و پروردن اندیشه‌هایی که پر باشند اثر دانش اثرشمنند و مقدس دینی، آئینی، تاریخی و ایرانی. مطالعه هر چه بیشتر در جزئیات شگرف، شکفت‌آور و بسیار ارزشمند باورها، آئین‌ها و پیشینه فرهنگی ایران عزیز،